

نویسنده: پاتریک لوارنس «Patrick Lawrence».
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2024-07-18».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

« مرده مغزی » و عواید خطرناک ناتو

Brain Dead' and Dangerous, NATO Proceeds



اکنون پنج سال است که **امانوئل ماکرون**، در یکی از آن طغیان‌های صریح (فوران های آتشفشانی) که به آن شهرت دارد، با اشاره به اکونومیست غرب جمعی گفت: «آنچه در حال حاضر تجربه می‌کنیم، مرگ مغزی نا تو است.» رئیس جمهور فرانسه پس از آن مقامات سراسر قاره را شوکه کرد. **آنگلا مرکل** به شدت پاسخ داد: «این دیدگاه من نیست. من فکرنمی‌کنم چنین قضاوت‌های گسترده‌ای لازم باشد.» **هایکو ماس**، وزیر امور خارجه صدراعظم آلمان، باتخیل اضافه کرد: «من معتقد نیستم که ناتو مرده مغزی شده است.»

مرگ مغزی از دست دادن دائمی، غیر قابل برگشت و کامل عملکرد مغز است که ممکن است شامل توقف فعالیت غیر ارادی لازم برای حفظ زندگی باشد. [1][2][3][4] با حالت نباتی پایدار، که در آن فرد زنده است و برخی از عملکردهای خودمختار باقی می‌مانند، متفاوت است [5]. همچنین تا زمانی که برخی از فعالیت‌ها و عملکردهای مغزی و بدنی باقی می‌ماند، از کما متمایز است و همچنین با وضعیت سندرم قفل شده یکسان نیست. تشخیص افتراقی یا تفریقی می‌تواند از نظر پزشکی این شرایط متفاوت را متمایز کند. **تفصیل توسط این قلم**

سا زمان پیمان آتلانتیک شمالی (نا تو) هفتاد و پنجمین سالگرد خود را هفته گذشته جشن گرفت «32» رئیس جمهور ونخست وزیر در همان سالن از قبل تعیین شده در واشنگتن گردهم آمدند، جایی که (12) نفر آنها از رهبران قبلی بودند که در آن زمان، به ایجاد و تاسیس این سازمان متعهد و در {4 آوریل 1949} اسناد ایجاد این سازمان را امضا کردند. بهر صورت **جو بایدن** در این سالون واقع در واشنگتن ریاست این سازمان را بر عهده داشت. البته اقدامات سالگرد و با در نظر گرفتن این موضوع، اجازه دهید رهبر فرانسه را به خاطر هوشیاری او در تشخیص وضعیت موضوع مغزی **نا تو** (مرد مغزی ناتو) اعتبار دهیم. همانطور که **جو لوریا** در تفسیر اخبار کنسرسیوم در پایان اجلاس پنجشنبه گذشته بیان کرد، این سازمانی است که اعضای آن مجموعاً ذهن خود را از دست می دهند.

مهم است که بفهمیم **مکرون** از این اظهارات چه کرده و چه منظوری نداشته است. او، همانطور که به راحتی می توان سوء تعبیر کرد، سا زمان پیمان آتلانتیک شمالی را بی هدف یا منسوخ اعلام نکرد. این خط مشی **دونالد ترامپ** بود و **ترامپ** در آن زمان که سه سال از ریاست جمهوری اش می گذشت. **ماکرون** در واقع به شکایات **ترامپ** درباره ائتلاف به عنوان یک چاله بودجه و در نتیجه شکست **ترامپ** در جهت گیری سایر اعضا در جهت مطلوب امپراتوری واکنش نشان می داد، همانطور که همه روسای جمهور آمریکا از زمان آغاز به کار **نا تو** به عنوان اولین موسسه یا نهاد ارتش جنگ سرد جهان در اقیانوس اطلس واکنش نشان دادند.



برای اولین بار، عکسی در اجلاس واشنگتن، تمام گروه های هیئت نمایندگی 32 کشور عضو ناتو را با هم به تصویر می کشد (9 ژوئیه 2024) (از دامنه عمومی)

مکرون مخصوصاً به مناسبت مصاحبه اش با اکونومیست، از آشفتگی هایی که در آن زمان در شمال سوریه رخ داد، ناراضی بود. برخی از خوانندگان ممکن است آن را به خاطر بیا ورنند: **ترامپ** دستور خروج نیروهای آمریکایی را از سوریه صادر کرده بود – البته به دستور دیپلمات ها، افسران ارتش و شبه ها یا شبه نظامیان به زودی سرنگون شد

ند -وترکیه، یکی از اعضای **نا تو**، که بلافاصله به شبه نظامیان کرد مستقر در منطقه انباشته شده حمله کرد بود. برای همه آشکار است .

شما هیچ هماهنگی در تصمیم گیری استراتژیک بین ایالات متحده و متحدانش در **نا تو** ندارید. **ماکرون** به اکونومیست گفت: هیچ کدام. «شما یک اقدام تهاجمی ناهما هنگ توسط یکی دیگر از متحدان **نا تو**، ترکیه، در منطقه ای که منافع ما در خطر است، دارید. هیچ برنامه ریزی **نا تو** و هیچ هماهنگی بین آنها وجود نداشته است.»

و سپس رهبر فرانسه با ضربه مشت اذعان کرد :

ما باید واقعیت **نا تو** را با توجه به تعهد ایالات متحده دوباره ارزیابی کنیم.»

پس سخنان «مرگ مغزی» **مکرون** تصور هیچ نوع صلح طلبی نبود. مردی که اکنون از اعزام نیروهای فرانسوی به اوکراین دفاع می کند، یک نظامی متعهد است. آنچه در مورد اظهارات ظاهراً جسورانه **ماکرون**، از اینکه بارها و بارها برای من جالب است، تناقضاتی است که در اظهارات او می یابید. در این مورد، او **دونالد ترامپ** عصبانی بود که به اروپایی ها اجازه نداد و انمود کنند که در سیاست اتحاد حرفی برای گفتن دارند، در حالی که از این فرصت استفاده می کرد تا خواستار آن زمان جدید و اکنون آشنا خود از اروپا برای پرورش «خود مختاری استراتژیک» خود باشد.

این همان چیزها بی است - شک به خود، کینه توزان، وحدت در حال فروپاشی - که باعث شد رئیس جمهور **بایدن** در سه یا چند سال پیش، احیای **نا تو** را در اولویت قرار دهد. چه کسی می تواند **نا تو** را مانند من نگه دارد؟» در مصاحبه 5 ژوئیه خود با **جورج استفانو پولوس**، خبرنگار ABC News، در میان افتخارات او برجسته بود. «هم اکنون کنفرانس **نا تو** را هفته آینده اینجا در ایالات متحده خواهید داشت. بیا گوش کن ببین چی میگویند.»

اجلاس سالگرد آمد و رفت. و دو واقعیت اکنون در برابر ما قرار دارند. دیگر رهبران ائتلاف حاضر در جلسه هیچ چیز مهمی نگفتند - حتی یک بیانیه مورد توجه. دیگ بخار و پابولوم بود، از شروع تا پایان. دوم، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به خوبی دوباره متحد شده است - به قول آهنگ قدیمی **باک اونز**، "دوباره با هم" - اما اکنون نمی توان شک کرد که این سازمان دچار مرگ مغزی شده است.

در اینجا چیزی ترسناک است که باید در نظر گرفت. این برداشت **لری جانسون** در مورد سوالی است که در گردهمایی 9 تا 11 ژوئیه ذهن ها را به خود مشغول کرده است. **جانسون** که اکنون مرتباً نظر می دهد، افسر سابق سیا (سی آی ای) است که قبلاً در دفتر مبارزه با تروریسم وزارت امور خارجه نیز خدمت کرده است. اجازه ندهید تصاویر مبتذل شما را پرتاب کنند. این نشان دهنده خلق و خوی غالب است:

افسانه ناتو به عنوان یک اتحاد دفاعی

رویداد سیاسی داغ امسال نشست سران **نا تو** در واشنگتن است. همه رهبران جهان غرب حاضر شدند، نه برای بحث در مورد آینده **ناتو**، بلکه برای اینکه ببینند آیا **جو بایدن** از جلسات بدون انداختن باری در *Depends* خود یا به جان خریدن جان سالم به در می برد یا خیر. به همین دلیل مردم در یک مسابقه اتومبیلرانی شرکت می کنند - یعنی منتظر تصادف هستند. هیچ چیز مانند خراب شدن ماشین آتشین برای افزایش آدرنالین نیست.» ما باید به این فکر کنیم که دیدار اعضای **نا تو** به چه معناست و آنچه در ذهن آنهاست بحران های مختلفی نیست که جهان را در طول سال های گذشته به آن سوق داده اند، بلکه این است که آیا فردی که اقتدارش به طور مؤثری غیرقابل بحث است، می تواند یک نتیجه را ارائه دهد. به طور منسجم آدرس دهید. می توانیم به نمایش های عمومی ناتوانی رئیس جمهور **بایدن** بخندیم، و طبق معمول برخی از این موارد وجود داشت که او در اجلاس سخنرانی کرد و سپس کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرد. اما من نگفتم خنده دار: گفتم ترسناک. و این همان چیزی است که **نا تو** در طول سه سال و نیمی که **بایدن** به عنوان فرمانده کل ناتو تبدیل شده است.



. تصویر: پرزیدنت جو بایدن با ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در جریان اجلاس سران ناتو در واشنگتن دی سی، 11 ژوئیه 2024 دست می دهد (از دامنه عمومی)

بلی، **بایدن** و **ولودیمیر زلنسکی** را به عنوان «رئیس جمهور پوتین» به اجلاس معرفی کرد. بلی، او معاون رئیس جمهور خود را با «معاون رئیس جمهور **ترامپ**» که وجود ندارد اشتباه گرفت. اما به نظر می رسد اکنون زمان آن رسیده است که فراتر از تمسخر نگاه کنیم. مطمئناً زمان آن فرا رسیده است که رسانه های جریان اصلی حرف های بیهوده «همه اشتباه می کنند» را حذف کنند. **بایدن** در این چند هفته گذشته خود را به چهره ای غمگین تبدیل کرده است، شخصیتی که کمی از شکسپیر و کمی از سوفوکل می خواند. اما نشست **ناتو** ما را با این واقعیت تلخ روبرو می کند که **جو بایدن** بیش از هر چیز دیگر خطرناک شده است. آیا راه دیگری برای فکر کردن در مورد مردی وجود دارد که در لیست پیرمردی قرار می گیرد و در عین حال یک اتحاد نظامی فوق العاده قدرتمند را

هدایت می کند که اعضای آن می دانند چگونه به تعویق بیفتند و از آن پیروی کنند اما نمی دانند چگونه فکر کنند؟

من هفته گذشته تحت تاثیر پراکندگی پوشش خبری رسانه های آمریکایی که به اجلاس اختصاص داده شده بودند، قرار گرفتم. برخی از داستان ها در مورد **بایدن** تا پایان سخنرانی هایش - سخنرانی در اجلاس سران، فشار دهنده ای که بعد از آن انجام شد - بدون اینکه خیلی بد حرف بزند. به طور قابل توجهی کمتر به محتوای تجمع پرداخته شده است. به نظر من یک پیشنهاد ضمنی بود که در جلسات 9 تا 11 ژوئیه هیچ چیز جدیدی گفته یا مشخص نشده است. به سادگی بیشتر مشابه بود، و بیشتر موارد مشابه در اخبار ریز کپی خوبی ایجاد نمی کند.

بیا بید بررسی کنیم که همان به چه چیزی می رسد، و سپس به چه معناست که موارد مشابه در راه است. برای پیش نمایش نتیجه گیری های من، **ناتو** به تازگی پسا دموکراسی های غرب را به دوران جنگ نهادینه شده، خشونت جهانی و بی نظمی متعهد کرده است - که طبق برنامه، هیچ برنامه ای برای پایان دادن به آن وجود ندارد.

همان تهدید نابودی که برای کسانی که جنگ سرد را به یاد می آورند آشناست، بار دیگر غالب خواهد شد. هزینه های تسلیحاتی به طور خودکار بر رفاه جوامعی که برای این اسراف هزینه می کنند، اولویت خواهد داشت. روسیه و **چین** به عنوان دشمنان دائمی عادی خواهند شد. بیگانگی غرب از غیر غربی یک واقعیت ثابت زندگی خواهد بود. دولت عمیق، یک پدیده فرآتلانتیک ریشه دار در حال حاضر، با نخبگان لیبرال اقتدارگرا برای اعمال این رژیم و سرکوب همه کسانی که آن را زیر سوال می برند یا به چالش می کشند، متحد خواهد شد.

اینجا هیچ اغراقی وجود ندارد. این دقیقاً همان پروژه ای است که گروه های نومحافظه کار آمریکا هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991 و یک دهه پیروزی آمریکا در پی آن ترسیم کردند. همه اینها را در زیر متن سخنرانی اصلی **بایدن** به هنگام افتتاح رویدادهای «75» خواهید دید. نکته قابل توجه در حال حاضر میزان انکار رهبران **ناتو** است، زیرا آنها ادعا می کنند که به این دستور کار در دنیایی که در سه دهه بعد به شدت تغییر کرده است.

بایدن پس از تمجید از «پیشرفت چشمگیر» اعضای اروپایی که بیش از پیش برای تسلیحات هزینه می کنند - چه چیز فوق العاده ای - وارد جنگ نیابتی شد که ائتلاف در اوکراین علیه فدراسیون روسیه انجام می دهد. از جمله اظهارات مختلف او:

«اوکراین می تواند و می تواند جلوی **پوتین** را بگیرد»، «اشتباه نکنید، روسیه در این جنگ شکست می خورد»، «ما یک ائتلاف جهانی برای ایستادن در کنار اوکراین ساخته ایم». اکثریت قاطع دو حزبی آمریکایی ها می دانند که **ناتو** همه ما را امن تر می کند.»

و سپس یکی از موضوعات مورد علاقه من، موضوعی تکراری و **باید نیسم واقعی**: «و **پوتین** چیزی کمتر نمی خواهد - چیزی کمتر از انقیاد کامل اوکراین. و ما می دانیم که **پوتین** در اوکراین متوقف نخواهد شد.

مقامات بلندپایه شنونده همه این اظهارات را با اشتیاق استقبال کردند. هیچ یک از آنها حتی که رابطه ای دور و یا بعید با حقیقت ندارند. **جان میرشایمر**، محقق یا پژوهشگر سیاست خارجی، در مصاحبه ای با **اندرو ناپولیتانو** که پس از پایان اجلاس در 11 ژوئیه انجام شد، سخنرانی **بایدن** را «پر از اظهارات فریبنده» خواند. اما دقیقاً با خواندن متن این اظهارات، تمام فواصل تشویق ها که در پرائنتر ذکر شده بود، **ناتو** در این مرحله برای من خیلی مشابه شوروی به نظر می رسید. من به آن عکس‌های از مجله زندگی زمان جنگ سرد از دوما ی روسیه فکر کردم که همه دست‌ها به عنوان موافقت به صورت یکسان بالا رفته بودند.

این اتحاد فرا آتلانتیکی است که شده است. این بر اساس احضارهای خارق العاده عمل می کند و هیچ عضوی آنها را زیر سوال نمی برد. شما مطلقاً هیچ رسانه جریان اصلی را نخوانده اید که این جعلیات احمقانه را به چالش بکشد و هیچ یک از آنها اهداف یا سیاست های **ناتو** را با جدیت تحلیل نکرده باشند. منظور من از ترساندن همین است. این همان چیزی است که **ناتو** را خطرناک می کند. هدف بیان شده آن معنی ندارد و هدف بیان نشده آن همانطور که در بالا ذکر شد.

و این حقیقت شیطانی است که نباید از دست داد: **بایدن** و همه حاضران در اجلاس سران **ناتو** می‌دانند که اوکراین در حال شکست دادن جنگ خود است، می‌دانند که مسکو هیچ طرحی برای اروپا ندارد، می‌دانند که هیچ «ائتلاف جهانی» در کنار ائتلاف وجود ندارد. اینها حقایق ساده ای هستند که قابل بحث و مناقشه نیستند. اما سخنرانی **بایدن** برای سایر رهبران حاضر در اجلاس نبود و سایر رهبران حاضر برای **بایدن** تحسین نکردند: مخاطب واقعی **بایدن** مردم در کشورهای پسا دموکراسی فرا آتلانتیک بودند و تشویق هایی که او دریافت کرد به دستورات آنها بود که لازم به تایید بود.

نشست‌های ناتو به عنوان عملکرد، به عنوان تمرین‌هایی در تبلیغات توده‌ای که کاملاً در فضای باز انجام می‌شوند: اعتراف می‌کنم که نمی‌توانم پیامدهای سازمانی به قدرتمندی اتحاد آتلانتیک را به طور کامل ثبت کنم که این کار را پوچ و بدبینانه انجام می‌دهد. **ناتو** دقیقاً هدفی دارد، اما رهبران سیاسی، ژنرال‌ها و بوروکرات‌های آن باید هدفی را برای مصرف عمومی بسازند، هدف واقعی آن - تسلط جهانی به هر قیمتی - بیش از حد قابل اعتراض است.

در مورد بیشتر موارد مشابه، به نظر می‌رسد که اجلاس سالگرد **ناتو** چرخشی در اتحاد شرقی به سمت کنار گذاشتن کامل تظاهر **ناتو** به عنوان یک سازمان دفاعی به نفع موضع‌گیری‌های تهاجمی و تحریک‌آمیز فزاینده را نشان می‌دهد. **آنتونی بلینکن** که در جریان این روند صحبت می‌کرد، فکر عضویت اوکراین در ائتلاف را "غیرقابل اجتناب و غیرقابل بازگشت" خواند و در انتظار رژیم کی‌یف از طریق "پلی‌روشن" نامید. من

این را به دو صورت خواندم. **اول، بایدن** و دسته‌های سیاست‌گذاری‌اش برای اطمینان دادن به اوکراین در پیش‌بینی پیروزی احتمالی **ترامپ** در نوامبر، هر کاری که می‌توانند انجام می‌دهند، که محدود است.

دو و نزدیکتر به زمین، در حالی که کیف همچنان در میدان نبرد شکست می‌خورد، **ناتو** اکنون قصد دارد این سیگنال را بدهد که گفتگوهای حل و فصل مطرح نیست و ائتلاف عمیق‌تر در باتلاق فرو خواهد رفت، هر چقدر که باتلاق در نهایت ثابت شود. برای شوخ طبعی: **جان هلمر**، خبرنگار با سابقه و بسیار قابل اعتماد مسکو که اکنون رقص با خرس‌ها را منتشر می‌کند، هفته گذشته گزارش داد:

به سربازان آمریکایی، بریتانیایی و کانادایی در پایگاه‌های **ناتو** در لهستان، لتونی و لیتوانی گفته می‌شود که برای استقرار در اوکراین در سال آینده آماده شوند. همچنین به آنها اخطار داده می‌شود که انتظار داشته باشند تحت حملات توپخانه سنگین روسیه، موشک، بمب هدایت‌شونده و حملات هواپیماهای بدون سرنشین روسیه بجنگند.

به کشورهای این نیروها از آنها به جبهه اوکراین اعزام خواهند شد توجه کنید. همه آنها ماهواره‌های شوروی سابق هستند که مواردی کاملاً قابل درک اما مرگبار نامتعادل از پارانوئای ضد روسی را ارائه می‌دهند. این گونه است که گاهی اوقات در جنگ طولانی مدت علیه روسیه تجاوز ایجاد می‌شود. اوکراین از طریق واحدهای نئونازی که ارتش این کشور را رهبری می‌کنند، بر همان دشمنی ضد روسی متکی است.

بایدن در اواسط سخنرانی خود گفت: «و اینجا با ما - و امروز اینجا با ما کشورهای منطقه هند و اقیانوسیه هستند. "آنها اینجا هستند زیرا آنها در موفقیت ما و ما در موفقیت آنها سهم داریم." من یک نره از این اظهار نظر خوشم نمی‌آید. من آن را به عنوان تأییدی پنهان از موجی از اشارات و کنایه‌ها در سال گذشته خواندم که نشان می‌دهد **ناتو** قصد دارد حوزه‌ی اختیارات خود را به شرق آسیا گسترش دهد، بنا بر این به دنبال تشدید تقابل تدریجی ایالات متحده با چین.



نشست سران ناتو در مرکز کنوانسیون واشنگتن در واشنگتن دی سی، (11 ژوئیه 2024) (از دامنه عمومی)

ینس استولتنبِگ، ژنرال در حال خروج **نا تو**، **ینس استولتنبِگ**، گویی به سرخ، متعاقباً به دلیل "سرکوب مردم خود"، "در هم شکستن صداهاى دموکراتیک"، به دلیل "رفتار قاطعانه تر در دریای چین جنوبی" به یک حمله کاملاً نامناسب علیه **چین** پرداخت. برای «تهدید همسایگان، تهدید تایوان» و غیره در فهرست شکایاتی که **بلینکن** و گروه‌های سیاسی رژیم **بایدن** هنگام خطاب به چینی‌ها از آن حمایت می‌کنند.

اکنون **ناتو** در آسیا باید با جدیت تمام در نظر گرفته شود. اکنون **نا تو** است و **نا تو** که می‌آید - **نا تو** مرده مغزی، **ناتو** در همه جا بدون هیچ تجارت قانونی در هیچ کجا. اندکی پس از اینکه استولتنبِگ خود را از جنجال مضحک خود تحویل داد، **بایدن** مدال آزادی ریاست جمهوری را به گردن خود آویخت.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

پاتریک لارنس، خبرنگاری در خارج از کشور برای سال‌ها، عمدتاً برای اینترنشنال هرالڈ تریبون، منتقد رسانه، مقاله نویس، نویسنده و سخنران است. کتاب جدید او، روزنامه‌نگاران و سایه‌های آنها، اکنون از انتشارات کلیریتی منتشر شده است. وبسایت او پاتریک لارنس است. از طریق سایت **Patreon** از کار او حمایت کنید. تصویر ویژه: لوگوی نشست و اشنگتن در سال 2024 (دارای مجوز استفاده منصفانه) منبع اصلی این مقاله **ScheerPost** است



پاتریک لارنس

----- **با تقدیم احترامات** «19-07-2024»

